



## نگاه دکتر حسین قشقایی، رئیس پژوهشکده حکمرانی پژوهشگاه

### اقدام علیه ترفند رسانه‌ای دشمن در پسا جنگ

یکی از ترفندهای رسانه‌ای که دشمن در این زمان دنبال خواهد کرد این موضوع است که در شرایط کنونی به دلیل جنگ، مردم نسبت به تورم بالا و گرانی صد درصدی سخنی نمی‌گویند اما در صورت کاهش شعله‌های جنگ و فرونشست حمله‌ها، مردم اعتراض‌های خیابانی را از سر می‌گیرند. با این بیان‌ها انتظار اعتراض در مردم ایجاد کرده و مسئله گرانی‌ها را به مسئله اول مردم بالا می‌برند و دغدغه‌ها را نسبت به آن جوشش می‌دهند و مسئله جنگ را به عنوان روپوش زودگذر برای آن تصویر سازی کرده و القا می‌کنند که ادامه آتش بس یا خاتمه ظاهری جنگ اعتراض را به یکباره فوران خواهد داد. به تعبیر دیگر اولویت نخست افکار عمومی در جنگ یا تهدید خارجی، امنیت ملی بوده و سایر مطالبات عمومی در حاشیه است اما با کاهش شدت بحران، این مطالبات به صورت انباشته بازمی‌گردند و این تراکم نارضایتی چه بسا با شدت بیشتری ظاهر شوند. از این رو ضروری است که هم اکنون در اندیشه راه‌حلی برای آن بود در این امر هم فعالیت رسانه‌ای لازم است و هم عملیات اقتصادی. روایت‌های رسانه‌ای می‌توانند در جهت‌دهی به این احساسات نقش مهمی ایفا کنند؛ چه در جهت تشدید یا کاهش آن و چه در جهت مدیریت آن. القای احساس بی‌عدالتی از یک سو و تضعیف چشم‌انداز روشن در بهبودی وضعیت اقتصادی می‌تواند زمینه ساز بروز اعتراض انباشته اجتماعی شود در این حالت، تبیین روش‌های دشمن در دو مورد اخیر می‌تواند در پیشگیری از آنها کارساز باشد. در این جا راه حل اقتصادی که هم کارکرد رسانه‌ای دارد و هم در حل مشکل اقتصادی تاثیر بسیار بالا دارد؛ افزایش مبلغ کالابریک به تناسب اضافه درآمد حاصل از افزایش قیمت نفت به طور تدریجی است، به گونه ای که منجر به تورم یا افزایش نقدینگی نگردد، در هر صورت کاهش فشار معیشتی بر خانوارها و القای کنترل‌پذیری وضعیت اقتصادی از سوی حاکمیت در افکار عمومی از جمله مواردی است که در کوتاه‌مدت کارساز است.



## نگاه خانم دکتر محمودیان، پژوهشگر فرهنگ و ارتباطات

### ابزار هراس افکنی در جنگ روانی

اینکه ملت ایران بیش از پنجاه روز پیوسته و مستحکم در میدان نبرد حضور فعال داشته است، و بیش از یک سوم جمعیت کشور (تا این لحظه) برای برخورد سخت با دشمن، در پویش جانفدا اعلام آمادگی رسمی کرده‌اند، بدان معناست که میان ملت و حاکمیت اجماع نظر بسیار قدرتمند و بی‌مانندی در نوع مواجهه با دشمن وجود دارد. این مؤلفه قدرت در کنار توان بازدارندگی نظامی، موجب شده تا طراحان جنگ روانی دشمن، به عنوان مکمل جنگ نظامی، در پی ایجاد استحاله در ((پینش)) و ((احساس)) جامعه باشند؛ چراکه خدشه در این مؤلفه محوری، دیگر مؤلفه‌های قدرت ایران را فلج و غیرعملیاتی می‌کند. جنگ روانی دشمن آمریکایی صهیونی به طور مشخص به دنبال تغییر نگرش، احساس و رفتار ایرانیان کف خیابان است. یکی از ابزارهای جنگ روانی دشمن رسانه‌ها هستند که در کنار سایر ابزارها عمل می‌کنند. اگر رسانه‌ها را کانال انتقال پیام در نظر بگیریم، جنگ روانی مجموعه‌ای از پیام‌ها، هدف‌ها و روش‌هاست که این تغییر رفتار و احساس و نگرش را طراحی و پیاده می‌کنند. بر این اساس، عملیات جنگ روانی علاوه بر اهرم رسانه‌های دشمن، نیازمند دو بازو در داخل ایران نیز هست؛ ترکیبی از روایت‌گری و روایت‌سازی، یعنی رسانه‌های داخلی و بخش‌های نهادی که روایت‌های رسانه‌ها را تأیید کنند. رصد رسانه‌ای نشان می‌دهد، برخی رسانه‌های داخلی به شیوه‌ای فزاینده، خط القای ضعف و برجسته‌سازی آسیب‌ها و تردیدافکنی در امکان تداوم جنگ را دنبال می‌کنند. سیل کلیدواژه‌هایی چون تخریب زیرساخت، بیکاری، بحران معیشتی، افزایش قیمت‌ها، تحریم‌های فلج‌کننده و... در این رسانه‌ها اعصاب و روان مخاطب را بمباران می‌کند و ترس از ادامه دادن و مقاومت را در دل او می‌افکند. این در حالی است که رهبر انقلاب در پیام نوروزی خود در یک نهم غلیظ دستور دادند که ((رسانه‌های داخلی کشور با همه تفاوت‌های فکری، سیاسی و فرهنگی موظفند از پرداختن به نقاط ضعف بطور جدی خودداری کنند)). رسانه‌های مذکور نه فقط در محدوده پرداختن به ضعف‌ها، بلکه فراتر از آن، یعنی مشغول برجسته‌سازی ضعف‌ها هستند. این اقدام به تعبیر رهبر انقلاب، موجب تخریب وحدت ملی و خدشه در امنیت ملی خواهد شد. پس، امروز علاوه بر اینکه باید از گوش‌ها در برابر رسانه‌های معاند حفاظت کرد، باید مراقب برخی رسانه‌های داخلی هم بود که آشکارا، تاب‌آوری و روحیه مقاومت جامعه را نشانه رفته‌اند.



## نگاه دکتر محمد مهدی خیرجو، همکار علمی پژوهشگاه

### لحظه خودآگاهی جمعی

متخصص ایرانی نیز صریح است: حتی اگر شهرهای ما زخمی شوند، با دانش و همت خویش ایران را ترمیم و آن را نه فقط برای بازسازی، بلکه برای استقرار در تراز یک قدرت مستقل و پیشرو بنا خواهیم کرد.



## نگاه جعفر علیان نژادی، پژوهشگر اندیشه سیاسی

### هنر سخن‌گویی در شرایط جنگی

پرسش مهمی که این روزها ممکن است در ذهن شکل بگیرد آن است که در وضعیتی که حالات ذهنی مردم، به شدت توسط دشمن مانیتور می‌شود و او با تکنیک استناد و گواهی، از هر لحظه آن تصویر ثابتی می‌گیرد تا رخنه‌ای یافته و بهانه‌ای برای بازنمایی اختلاف در رسانه‌های دروغ پرداز خود پیدا کند، مردم چه تغییراتی باید در شیوه‌های رایج بحث و نقد ایجاد کنند. معلوم است که بدون در نظر گرفتن متغیر وضع جنگی، با اقدام به سخن‌پراکنی و بحث و نقد، دشمن بهانه جوکار ساده‌ای برای قاب‌بندی اختلاف و بازنمایی آن در رسانه‌ها خواهد داشت. طبیعتاً اکتفا به گزاره‌های تجویزی کلی نظیر مردم به هوش باشید، یا وحدت را حفظ کنید و اختلافات را کنار بگذارید، درد چندانی را دوا نخواهد کرد. این امر مقوله‌ای صرفاً تبلیغی نیست، بلکه ماهیتی مهارتی دارد. یعنی ممکن است با وجود اینکه اراده به اختلاف نکردن و بهانه ندادن وجود داشته باشد، اما مهارت سخن‌گفتن و بیان موضع متناسب با شرایط جنگی مفقود باشد. به بیان دیگر با اینکه می‌خواهیم عامل اختلاف نشویم اما ناخواسته در موضعی قرار می‌گیریم که محل اختلاف و بهانه‌جویی است. این مساله خصوصاً در میان نخبگان و سخن‌گویان و متن‌نویسان بیشتر رخ‌نمایی می‌کند. کسانی هستند با نیات بسیار خالص و از روی اراده‌ای مومنانه، زبانی را برای بیان، نطق و نوشتار انتخاب می‌کنند که گزنده، لج‌درآورد و الزام‌گر به واکنش است. زبانی که واکنش منفی برمی‌انگیزد. زبانی که در دام دوگانه‌ها گرفتار می‌آید و راهی برای فراروری گوینده و شنونده از این الزام تفرقه‌برانگیز باقی نمی‌گذارد. نابلدی در فرایزبانی به لحن کلام و فرودآوری در آن، معنای واژگان ایراد شده را تغییر می‌دهد. یکی از مزیت‌های رهبر شهید و رهبر جدید انقلاب اسلامی رعایت فنون مخاطب و مکالمه با مردم، مسئولان، هنرمندان، شعرا، اصناف و اقشار مختلف بود. درک قرائن حالیه و مقامیه هر صنفی و هر پایگان زبانی، ریشه در رعایت این موارد داشت. **القصد در موقعیت جنگ ترکیبی که هدف دشمن تبدیل کردن همه چیز به اسلحه است، یقیناً مهم‌ترین سلاح برای او زبان و کلمه و مهم‌ترین گلوله برای او لهجه‌ها و الحان کاربست زبان و کلمه است.** زبان و کلمه خنثی است اما کاربست آن توسط عامل انسانی روح همگرایی یا تفرقه را در آن می‌دمد. یکی از مهم‌ترین تمرین‌ها برای مهارت‌آموزی در این خصوص، پرش‌نوی بیانات رهبر شهید انقلاب اسلامی و پرخوانی پیام‌های رهبر جدید انقلاب اسلامی است. در بسیاری از جاها که ممکن است در موضع پاسخ یا واکنش قرار بگیریم، چه خوب است در حکمت شیوه‌های سکوت و بیان و مخاطب رهبر شهید انقلاب اسلامی فکر کنیم. کجا نیاز به سکوت است، کجا نیاز به پاسخ است و مهم‌تر از این، چگونه باید سکوت کرد و چگونه باید پاسخ داد تا بتوان از این سلاح علیه دشمن استفاده کرد.

در تحلیل تحولات نیم قرن اخیر، یک انحراف پارادایمی از آرمان‌گرایی انقلابی اولیه به سمت پذیرش چارچوب‌های فکری غرب در بخشی از نخبگان و سیاسیون مشاهده می‌شود. در دهه‌های نخست، نظام با تکیه بر هویتی مستقل و در تقابل با غرب، در زمین بازی خود و با قواعد برآمده از گفتمان انقلاب اسلامی عمل می‌کرد. اما از میانه دهه هفتاد، یک دگرگونی تدریجی رخ داد و دستگاه محاسباتی غربی، با مفاهیمی چون دموکراسی لیبرال در حوزه سیاست، سکولاریسم در فرهنگ و اقتصاد آزاد با قرائت نئولیبرال و مستضعف‌ستیز بر ذهنیت گروهی موثر در قدرت و جامعه مسلط شد. این امر سبب شد ایران در زمینی با قواعد تعیین‌شده توسط غرب به رقابت بپردازد و در نتیجه، کنش‌هایش برای رقیب قابل پیش‌بینی و مدیریت شود. با این حال، **دو جنگ اخیر و به ویژه شهادت امام خامنه‌ای (ره) نقطه عطفی تعیین‌کننده بود که حرکت جامعه را به ریل آرمان‌گرایی انقلابی اصیل خود بازگرداند.** همچنین این رویدادها یک خودآگاهی جمعی را نسبت به ایده بنیادین حضرت امام خمینی (ره) مبنی بر اینکه آرامش منطقه در گرو نابودی رژیم صهیونیستی است، دوباره احیا کرد. این دیدگاه اکنون نه به عنوان یک نظریه انتزاعی و مربوط به گذشته، بلکه به مثابه یک گزاره مسلم و بدیهی در اذهان عموم مردم از هر قشر و سلیقه‌ای مطرح است و این بیداری و مطالبه استقامت و انتقام، سرآغاز خروج از سلطه ذهنی غرب و بازگشت به میدان کنش‌گری مستقل است.



## نگاه دکتر محمد باقر منفردنیا، عضو هیئت علمی

### فردای جنگ، فردای جهش ایران

در میانه جنگ و ویرانی، دشمن از یک واقعیت راهبردی غفلت کرده است: **ایران امروز صرفاً بر نفت و جغرافیا تکیه ندارد، بلکه از سرمایه‌ای گسترده از متخصصان بومی در عرصه‌های عمران، انرژی، فناوری، سلامت و دفاع برخوردار است که از هم‌اکنون نقشه ایرانِ پسا جنگ را در ذهن و میدان ترسیم می‌کنند.** این کشور که در اوج تحریم، پالایشگاه‌های بزرگ را با اتکای درونی تکمیل کرده، میادین مشترک‌گازی را توسعه داده و در بخشی از فناوری‌های پیشرفته و دارویی به خودکفایی دست یافته است، در دوران پس از جنگ نیز صرفاً به بازسازی بسنده نخواهد کرد، بلکه در مسیر توسعه‌ای شتابان‌تر گام برخواهد داشت. مسئله آمریکا، نه چند سانتریفیوژ و پایگاه موشکی، بلکه کنترل این ثروت‌ها و مهار ملتی است که اراده کرده است بر پای خود بایستد. تخصص او غارت ثروت ملت‌ها زیر پرچم حقوق بشر و امنیت و افروختن جنگ برای بقا و تداوم سلطه خود است. **رهبر شهید، پادزهر این طرح را روشن فرموده‌اند: اعتماد و تکیه بر ظرفیت درونی و نهراسیدن از فشار قدرت‌های سلطه‌گر.** پیام امروز نسل



دفتر نشر آیت‌الله العظمی‌خامنه‌ای قم، سر

